

Supporting the Mustad'afin as the Objective of Jihad: A Comparative Study of Narrations in the Exegesis of Quran 4:75

Masoumeh Sahraei

Level 4 Student and Instructor at Khorramabad Seminary

Email:mohsenjam07@gmail.com

Abstract

Qur'an 4:75 poses a critical rhetorical question that urges believers to defend the oppressed and assist those suffering from injustice. It identifies the oppressed—particularly vulnerable men, women, and children—as both the motive and ultimate purpose of striving (jihad). This verse has received significant attention from both Sunni and Shi'a exegetes, and the interpretive traditions of both schools have played a key role in explaining concepts such as oppression (istid'af), support for the oppressed, and the objectives of jihad. Employing a descriptive-analytical and comparative approach, this study examines exegetical narrations found in the hadith and tafsir sources of both traditions to explore their similarities and differences in interpreting the verse. The findings indicate that both traditions regard defending the oppressed and eliminating injustice as fundamental objectives of jihad. However, some Shi'a narrations extend the concept of the oppressed to include the need for divine guidance and wilayah (guardianship), whereas most Sunni narrations emphasize the verse's social, humanitarian, and defensive dimensions. Overall, both traditions present jihad primarily as a defensive and humanitarian endeavor aimed at protecting human dignity.

Supporting the oppressed | Jihad | Quran 4:75 | Comparative exegesis | Exegetical narration



نصرة المستضعفين كهدف للجهاد: دراسة مقارنة للروايات في تفسير الآية ٧٥ من سورة النساء

معصومة صحرايى

طالبة المستوى الرابع ومدرسة في حوزة خرم آباد.

البريد الإلكتروني: mohsenjam07@gmail.com

الملخص

تطرح الآية (٧٥) من سورة النساء سؤالاً استنكارياً يحث المؤمنين على الدفاع عن المظلومين ونصرتهم، وتبرز المستضعفين، ولا سيما الرجال والنساء والأطفال، بوصفهم سبب الجهاد وغايته. وقد حظيت هذه الآية بمكانة متميزة لدى مفسري الشيعة وأهل السنة، وأسهمت الروايات التفسيرية لدى الفريقين في بيان مفاهيم الاستضعاف، والنصرة، ومقاصد الجهاد. وتعتمد هذه الدراسة المنهج الوصفي التحليلي مع المقارنة، لبحث الروايات التفسيرية الواردة في المصادر الحديثية والتفسيرية لدى المدرستين، والكشف عن أوجه الاتفاق والاختلاف في فهم الآية. وتُظهر النتائج أن الدفاع عن المظلوم ورفع الاستضعاف يُعدّان من أهم مقاصد تشريع الجهاد في كلا الاتجاهين. غير أن بعض الروايات الشيعية توسّع مفهوم المستضعفين ليشمل الحاجة إلى الهداية والولاية، تأكيداً على بُعد الإمامة والقيادة الإلهية، في حين تركز أغلب الروايات السنية على الأبعاد الاجتماعية والإنسانية والدفاعية للآية. وبذلك تؤكد روايات الفريقين أن الجهاد وسيلة دفاعية وإنسانية لحماية الكرامة الإنسانية ورفع الظلم، لا عملاً هجوماً. نصرة المستضعفين | الجهاد | الآية ٧٥ من سورة النساء | التفاسير المقارنة | الروايات التفسيرية

حمایت از مستضعفان به عنوان هدف از جهاد؛ (بررسی تطبیقی روایات در تفسیر آیه ۷۵ نساء)

معصومه صحرایی

طلبه سطح چهار. مدرس حوزه. خرم آباد

mohsenjam07@gmail.com .

چکیده

آیه ۷۵ سوره نساء با تبیین ضرورت دفاع از مستضعفان (زنان، کودکان و مردان ستمدیده)، جهاد را به عنوان راهبردی انسانی برای مقابله با ظلم و حفظ کرامت بشری معرفی می‌کند. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، به بررسی جایگاه این آیه در روایات تفسیری فریقین (شیعه و سنی) پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو سنت تفسیری، «رفع استضعاف» و «یاری مظلوم» را از اهداف اساسی تشریع جهاد می‌دانند. با این وجود، تمایزاتی نیز در تحلیل‌ها مشاهده می‌شود؛ روایات شیعی با تأکید بر محوریت ولایت و رهبری الهی، مفهوم «استضعاف» را علاوه بر ابعاد اجتماعی، به حوزه هدایت و نیاز به سرپرستی نیز تعمیم می‌دهند، در حالی که روایات اهل سنت عمدتاً بر جنبه‌های اجتماعی و دفاعی متمرکز هستند. در نهایت، با وجود تفاوت در رویکردها و تفسیرهای مفهومی، اجماع قوی میان فریقین بر اصل «نصرت مظلوم» و ماهیت دفاعی-نجات بخش جهاد برقرار است که نشان‌دهنده ظرفیت بالای این آیه برای همگرایی در تبیین اهداف متعالی اسلام در برخورد با ظلم و ستم است. واژگان کلیدی: جهاد، مستضعفان، مؤمنان، شیعه، اهل سنت.

مقدمه

آیات قرآن کریم همواره با مجموعه‌ای از داده‌های لغوی، شأن نزول، سیاق و روایات تفسیری فهم می‌شوند و در این میان، روایات تفسیری نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین مفاهیم کلیدی و غایات احکام ایفا می‌کنند. آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء از جمله آیاتی است که در آن، قرآن کریم با زبانی انتقادی و برانگیزاننده، مؤمنان را به دفاع از مستضعفان و مقابله با ظلم فرا می‌خواند: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ...». طرح پرسش در قالب «ما لکم» نشان می‌دهد که ترک یاری مظلومان امری نکوهیده است و همین ساختار بلاغی، زمینه‌ای برای شکل‌گیری روایات تفسیری متعدد در منابع حدیثی و تفسیری فریقین شده است.

جایگاه محوری مفهوم «استضعاف» در این آیه، سبب شده که مفسران فریقین با بهره‌گیری از روایات تفسیری، به برداشت‌های متنوعی پیرامون ماهیت مستضعفان، گستره مصادیق آنان و نوع یاری‌رسانی مورد نظر قرآن دست یابند. در منابع روایی شیعه، افزون بر ابعاد اجتماعی و انسانی دفاع از مظلوم، گاهی قرائتی معرفتی و ولایی نیز مطرح می‌شود که در آن مستضعفان صرفاً به افراد تحت فشار سیاسی یا اقتصادی محدود نمی‌شوند، بلکه شامل محرومان از هدایت و ولایت الهی نیز تفسیر شده‌اند. در مقابل، روایات اهل سنت عمدتاً بر ظلم‌ستیزی، آزادی دینی، حفاظت از جان و مال، و ضرورت مقابله با سرکوب و ستم تمرکز دارند. این مطالعه امید دارد که با ارائه نگاهی علمی و مستند، بتواند سهمی در

تقویت پژوهش‌های تطبیقی قرآن و حدیث، فهم دقیق‌تر آیات اجتماعی قرآن، و بازنمایی جایگاه دفاع از مستضعفان در نظام ارزشی قرآن ایفا کند.

الف. واژه‌شناسی مستضعف

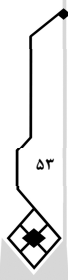
واژه «مستضعف» پنج بار در قرآن کریم به صورت اسمی و به صیغه جمع مذکر سالم به کار رفته است: چهار مرتبه در سوره نساء (آیات ۷۵، ۹۷، ۹۸ و ۱۲۷) و یک مرتبه در آیه ۲۶ سوره انفال.

مراد از مستضعفان در این آیات، مسلمانان مکه هستند که مشرکان مانع از هجرت آنان می‌شدند. مستضعف به معنای «ضعیف شمرده شدگان» است (طریحی، ۱۴۱۶: ج ۵ ص ۸۵؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴ ص ۱۸۴، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱ ص ۵۰۷).

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بر کسی که حجت به او رسیده، گوشش آن را شنیده و دلش آن را فهمیده، دیگر عنوان ناتوان و معذور صدق نمی‌کند» (سید رضی، خطبه ۱۸۹).

ب. نظرات مفسران فریقین ذیل آیه شریفه

در این بخش، دیدگاه‌های تفسیری مفسران فریقین ذیل آیه شریفه، با تأکید بر منابع معتبر تفسیری و روایی هر دو مکتب، استخراج، دسته‌بندی و سپس به صورت تطبیقی تحلیل می‌شود.



۱. دیدگاه مفسران شیعه

در تفسیر شیخ طوسی ذیل آیه ۷۵ نساء، این آیه به عنوان سرزنشی الهی خطاب به مسلمانان دانسته شده است که چرا با وجود انگیزه‌های روشن، برای خدا و برای نجات مستضعفان از ظلم نمی‌جنگند. او با تحلیل نحوی نشان می‌دهد که عبارت «مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ» نافی هرگونه عذر برای ترک جهاد است (شیخ طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳ ص ۲۵۸).

طبرسی در تفسیر آیه ۷۵ نساء، آیه را خطاب و سرزنشی الهی به مؤمنان می‌داند که چرا با وجود فراهم بودن توان و امکان، برای جهاد در راه خدا و یاری مستضعفانی که زیر فشار مشرکان قرار دارند، اقدام نمی‌کنند. به گفته او، مقصود از «فی سبیل الله» جهاد برای اطاعت الهی و نصرت دین، و مراد از «مستضعفین» مردان، زنان و کودکانی است که توان دفاع از خویش را ندارند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳ ص ۱۱۶).

علامه طباطبایی در المیزان با تکیه بر ساختار واژه «استضعاف» تأکید می‌کند که مراد از مستضعف کسی است که به وسیله نظام‌های ظالمانه از قدرت اجتماعی محروم شده است. به تعبیر او، استضعاف نتیجه روابط نابرابر قدرت در جامعه است و قرآن با ذکر این مفهوم، مسلمانان را به مقابله با چنین ساختارهای ظلم‌آمیزی فرا می‌خواند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳ ص ۶۷۲).

در تفسیر نمونه، این آیه دعوتی عاطفی و انسانی به جهاد دانسته شده است؛ بدین معنا که قرآن پس از تکیه بر ایمان و منطق سود و زیان، این بار احساسات

انسانی را خطاب قرار می‌دهد و می‌پرسد: چرا برای نجات مردان، زنان و کودکانی که در محیطی خفقان‌آور گرفتار ستمگران‌اند، قیام نمی‌کنید؟ آیه در حقیقت می‌فهماند که خدا با سپردن این مسئولیت به خود مؤمنان، به دعای آنان پاسخ داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۴ ص ۹).

۲. دیدگاه مفسران اهل سنت

فخررازی در تفسیر آیه مذکور، ترک جهاد را نکوهش می‌کند و خود آیه را تأکیدی بر وجوب جنگ برای نجات مؤمنان مستضعف مکه می‌داند؛ مردان، زنان و کودکانی که تحت آزار مشرکان بودند و به سبب ناتوانی یا شرایط آن روز، امکان هجرت نداشتند. فخررازی همچنین به مباحث نحوی مانند نسبت دادن صفت ظلم به «قریه» و نیز مباحث کلامی، از جمله استدلال معتزله به آیه برای اثبات اختیار انسان، اشاره می‌کند و جهاد در این آیه را شبیه آزادسازی اسیر و دارای بُعدی انسانی و اخلاقی قوی معرفی می‌نماید (فخررازی، ۱۴۱۱، ج ۱۰ ص ۱۴۰).

سیوطی در الدر المنثور مجموعه‌ای از روایات درباره آیه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ...» گرد آورده که همگی بر یک نکته تأکید دارند: مقصود از مستضعفان، مسلمانان محصور و ناتوان مکه بودند که به سبب فشار مشرکان، امکان هجرت نداشتند؛ تا آنجا که ابن عباس نیز خود و مادرش را از آنان می‌شمارد (سیوطی، ۱۴۰۴ ج ۲ ص ۱۸۳).



ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر، آیه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ» را استفهامی انکاری می‌داند که در حقیقت معنای امر و الزام به جهاد را دارد؛ یعنی مسلمانان هیچ عذری برای ترک جنگ ندارند (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۴ ص ۱۸۳).

۳. روایات تفسیری

روایات تفسیری شیعه و اهل سنت، اگرچه از نظر محتوایی همپوشانی قابل توجهی دارند، اما در جهت گیری‌ها و اولویت‌های تفسیری تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در هر دو طیف روایی، بخش اصلی روایات به سه محور مشترک می‌پردازد: اول، تبیین زمینه تاریخی و اجتماعی نزول آیه و توصیف وضعیت مستضعفانی که در مکه زیر فشار مشرکان قرار داشتند؛ دوم، توضیح مفهوم مستضعف به عنوان گروهی فاقد قدرت دفاعی و محروم از امکان هجرت؛ و سوم، تعیین مصادیق عینی این گروه، به ویژه مردان، زنان و کودکانی که توان رهایی نداشتند. این اشتراک نشان می‌دهد که سنت تفسیری دو مذهب در فهم تاریخی و اجتماعی آیه همسو بوده و هر دو رویکرد، آیه را دعوتی به مقابله با ظلم و یاری ستم‌دیدگان می‌دانند.

اما تفاوت‌های دو مکتب تفسیری بیشتر در نوع تأکیدها و گستره روایات دیده می‌شود. در تفاسیر شیعه، برخی روایات افزون بر بیان شرایط عمومی مستضعفان، برداشت‌های ولایی را نیز ارائه می‌دهند و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام به عنوان مصداق

برجسته مستضعفان معرفی شده‌اند؛ رویکردی که در منابع اهل سنت دیده نمی‌شود. در مقابل، تفاسیر اهل سنت، به‌ویژه طبری و سیوطی، تمرکز بیشتری بر تحلیل‌های ادبی، لغوی و نحوی دارند.

ج. دسته‌بندی روایات تفاسیر فریقین

دسته اول: روایات مربوط به شأن نزول آیه ۷۵ نساء

در منابع تفسیری و روایی نخستین، آیه ۷۵ نساء در پیوند با وضعیت مسلمانان تحت فشار در مکه دانسته شده است. این دسته از روایات بیان می‌کنند که گروهی از مسلمانان - اعم از مردان، زنان و کودکان - پس از هجرت پیامبر به مدینه، همچنان در مکه گرفتار ظلم و ستم مشرکان قریش بوده و قادر به خروج و پیوستن به جامعه اسلامی نبودند. مضمون مشترک این نقل‌ها، تأکید بر «عجز واقعی» آنان در برابر ساختار قدرت مکه است؛ عجز از مهاجرت، از دفاع و حتی از اظهار آشکار ایمان.

امام علی بن الحسین علیه السلام فرمود: «خدیجه ÷ یک سال پیش از هجرت از دنیا رفت و ابوطالب علیه السلام یک سال پس از وفات خدیجه از دنیا رفت. هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن دورا از دست داد، اقامت در مکه بر او سخت شد و اندوهی شدید بر ایشان وارد گشت و از سوی مشرکان قریش بر جان خود بیمناک شد. پس این وضعیت را نزد جبرئیل شکایت کرد. خداوند عزوجل به او وحی فرستاد: «از این شهر که اهلش ستمکارند بیرون برو و به مدینه هجرت کن؛ زیرا امروز در مکه یآوری برای تونیست. و در برابر مشرکان آماده جنگ باش». در این هنگام، رسول

خدا ﷺ به سوی مدینه روی آورد» (حویزی، ۱۴۱۵ ج ۱ ص ۵۱۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ج ۲ ص ۱۲۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱ ص ۲۵۷).
مستضعفان، مردم مسلمان مکه هستند که توانایی خارج شدن از مکه را نداشتند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷ ص ۲۲۷).

دسته دوم: روایات مربوط به تبیین مفهوم واژه «مستضعف»

روایات تفسیری فریقین، مفهوم «مستضعف» را به عنوان وضعیتی مرکب از چند مؤلفه توضیح می دهند: ناتوانی واقعی، عدم برخورداری از امکانات اجتماعی یا امنیتی، و فقدان توان مهاجرت یا تغییر وضعیت.
عیاشی از سماعه نقل کرده که گفت: از رسول خدا ﷺ راجع به مستضعفین پرسیدم. ایشان فرمودند: «آنها اهل ولایت هستند». گفتیم: مقصود شما کدام ولایت است؟ فرمود: «مقصود ولایت ائمه علیهم السلام نیست، بلکه منظور از آن، ولایت در عقد نکاح، ارث و معاشرت است» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳ ص ۴۰۵).
همین روایت با همین مضمون در تفسیر کنزالدقائق نیز وارد شده است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳ ص ۵۱۶).

دسته سوم: روایات مربوط به ذکر مصادیق مستضعف

این دسته از روایات نشان می دهند که استضعاف جنبه ای ساختاری دارد؛ به این معنا که افراد از آن رو مستضعف شمرده می شوند که به دلیل عوامل بیرونی - نه انتخاب فردی - از توان دفاع، مهاجرت، یا حتی تشخیص صحیح محروم

هستند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲ ص ۱۸۳).

در روایات تفسیری شیعه، «مستضعف» تنها به معنای ناتوان اقتصادی یا مظلوم اجتماعی نیست، بلکه به ویژه در لایه باطنی آیات، گاهی اهل بیت علیهم السلام به عنوان مصداق آن معرفی شده اند.

عیاشی به نقل از حمران، از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «مقصود از مستضعفان، ما هستیم» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳ ص ۴۰۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱ ص ۲۵۷).

اهل بیت علیهم السلام از سوی خدا برای امامت و ولایت منصوب بودند، اما جامعه و حکومت های وقت حق آنان را نادیده گرفتند و آن جایگاه الهی را از ایشان بازداشتند؛ از این رو، «مستضعف» از جهت سلب حق و منزوی کردن موضع الهی بر آنان تطبیق می یابد.

ویژگی رویکرد روایات تفسیری شیعی: این تفسیر لزوماً معنای ظاهری آیات را نفی نمی کند، بلکه مصداقی باطنی یا تأویلی به شمار می رود. در نتیجه، ممکن است آیه در ظاهر درباره گروهی مظلوم باشد، اما در لایه تأویل، بر اهل بیت علیهم السلام نیز صدق کند. با این تفسیر، اهل بیت علیهم السلام به عنوان گروهی معرفی می شوند که علی رغم جایگاه واقعی شان، از سوی قدرت های سیاسی «ضعیف شمرده شده» یا «از حق خود محروم» گشته اند؛ بنابراین آیات وعده نصرت و وراثت زمین بر «مستضعفان» در قرائت شیعی، نوید برآمدن و تحقق نهایی حق اهل بیت علیهم السلام نیز دانسته می شود.



دسته چهارم: روایات گستره‌دار در زمان؛ مؤمنان هر عصر، مصداق مستضعف (نگاهی فراتاریخی به مفهوم استضعاف در تفاسیر شیعی)

در این روایات، مستضعف تنها گروهی در گذشته نیست، بلکه عنوانی است که بر مؤمنانی در هر دوران اطلاق می‌شود که به دلیل فشار سیاسی، اجتماعی یا محیطی، قادر به اظهار باور خود یا تحقق مسئولیت‌های دینی نیستند. این رویکرد، در واقع گسترشی هرمنوتیکی از مفهوم مستضعف ارائه می‌دهد و آن را به یک الگوی تاریخی-اجتماعی تبدیل می‌کند، نه صرفاً موردی مقید به وضعیت مکه.

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» فرمود: آنان که در مکه مورد شکنجه قرار گرفتند [باید بجنگید] تا آنان را رها سازید. و آنان می‌گویند: «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا». مقصود، مؤمنان از یاران پیامبر ﷺ است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳/۴۰۵).

نتیجه‌گیری

در تفاسیر فریقین، آیه ۷۵ نساء به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نصوص قرآنی در تبیین غایت جهاد مطرح شده است. مفسران فریقین بر این نکته اتفاق دارند که محور اصلی آیه، سرزنش مؤمنان به سبب ترک یاری‌رسانی به مظلومان است؛ مظلومانی که تحت سلطه ظالمان، امکان دفاع از جان، دین و کرامت خویش را ندارند.

در منابع تفسیری شیعه، علاوه بر پذیرش معنای فوق، مفهوم «مستضعف» با عمق بیشتری تحلیل شده است. روایات اهل بیت علیهم السلام مستضعف را منحصر در افراد ناتوان اجتماعی نمی دانند، بلکه آن را به معنای «مسلوب الحق» نیز به کار می برند؛ یعنی کسانی که حق الهی آنان توسط سلطه گران ظالم غصب شده است.

با این تبیین، می توان نتیجه گرفت که اگر آیه ۷۵ نساء غایت جهاد را حمایت از مستضعفان می داند، و با توجه به روایات معتبر شیعه می توان گفت امام زمان (عج) در عصر غیبت در شمار مستضعفان محروم از حق ظهور و ولایت قرار می گیرد، آنگاه هرگونه تلاش مشروع برای مقابله با ظلم، حمایت از مظلومان و پاسداری از حق و عدالت، در حقیقت گونه ای «نصرت امام» نیز تلقی می شود. این برداشت، نه یک تفسیر تحمیلی، بلکه برآیند پیوند طبیعی میان مبانی قرآنی و روایی است و می تواند مبنای نظریه پردازی علمی در حوزه اندیشه اسلامی، الهیات عدالت محور و جایگاه امام در عصر غیبت قرار گیرد.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۹۸۴، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ.
۴. بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ قرآن، بیروت - دمشق: دارالعلم - الدار الشامیه.
۷. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۵ق، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان، بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶ق، مجمع البحرین، به تصحیح: سید احمد حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.

۱۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۳ق، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.
۱۴. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، ۱۴۱۱ق، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۱۵. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۱۷. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ش، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، تصحیح: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷ش، تفسیر نمونه، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب. علیه السلام

